

وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی اخلاقی در نهج‌البلاغه

علی حاجی جعفری (دانشجوی دکتری دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم)
alihajijafari110@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹)

چکیده

وظیفه‌گرایی به معنای انجام کارها بر اساس اصول و قواعد اخلاقی، بدون توجه به نتایج آن‌هاست. در غایت‌گرایی یا نتیجه‌گرایی، ارزش یک عمل بر اساس نتایج آن سنجیده می‌شود. این پژوهش با استفاده از توصیف و تحلیل آموزه‌های نهج‌البلاغه به تبیین دو رویکرد اصلی اخلاق یعنی «وظیفه‌گرایی» و «غایت‌گرایی» در نهج‌البلاغه می‌پردازد. نتیجه این که نهج‌البلاغه، هر دو رویکرد وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی را در کنار هم قرار داده است. امام علی علیه السلام با تبیین اصول اخلاقی و تأکید بر نتایج اعمال، الگویی جامع برای زندگی اخلاقی ارائه می‌دهند که می‌تواند راهگشای انسان‌ها در مواجهه با چالش‌های اخلاقی باشد. این تحلیل نشان می‌دهد که فهم صحیح از آموزه‌های نهج‌البلاغه می‌تواند مبانی اخلاقی جامعه را تقویت و راهکارهایی برای ایجاد تعادل بین وظایف فردی و نتایج اجتماعی ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، اخلاق، اخلاق هنجاری، وظیفه‌گرایی، غایت‌گرایی.

۱- مقدمه

وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی دو رویکرد اصلی در فلسفه اخلاق هستند که هر یک به نحوی خاص به بررسی و تحلیل رفتارهای انسانی و معیارهای اخلاقی می‌پردازند. وظیفه‌گرایی، که به اصول و قواعد اخلاقی تأکید دارد، بر این باور است که عمل اخلاقی باید بر اساس وظایف و تعهدات انجام شود؛ بدون توجه به پیامدهای آن. در مقابل، غایت‌گرایی یا نتیجه‌گرایی، بر اهمیت نتایج و پیامدهای اعمال تأکید می‌کند و معتقد است که ارزش یک عمل بر اساس نتایج آن تعیین می‌شود.

نهج‌البلاغه، به عنوان یکی از مهمترین متون اسلامی و فلسفی، حاوی آموزه‌ها و بینش‌های عمیق در زمینه اخلاق است. این اثر نه تنها به تبیین اصول اخلاقی می‌پردازد بلکه به بررسی

ابعاد مختلف وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی نیز توجّه دارد. در این مقاله، تلاش خواهیم کرد تا با استفاده از منابع دست اول، به تحلیل و بررسی این دو رویکرد در نهج البلاغه بپردازیم و نشان دهیم که چگونه آموزه‌های امام علی علیه السلام می‌تواند به فهم بهتر از این دو نظریه کمک کند. با توجّه به اهمّیت این موضوع در فلسفه اخلاق و تأثیر آن بر رفتارهای اجتماعی و فردی، هدف ما در این مقاله ارائه تحلیلی جامع از وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی در نهج البلاغه است. همچنین سعی داریم تا با مقایسه این دو رویکرد، نقاط قوت و ضعف هر یک را شناسایی کرده و به بحث‌های جاری در فلسفه اخلاق افزوده کنیم. در نهایت، امید است که این تحقیق بتواند گامی مؤثر در شناخت عمیق‌تر از اصول اخلاقی اسلام و کاربرد آنها در زندگی روزمره باشد.

۲- وظیفه‌گرایی اخلاقی

وظیفه‌گرایی اخلاقی یکی از نظریات کلیدی در فلسفه اخلاق است که بر اساس آن، درستی یا نادرستی یک عمل به ویژگی‌های خود آن عمل وابسته است و نه به نتایج آن. این نظریه به‌ویژه در مقابل نظریات نتیجه‌گرا یا غایت‌گرا قرار دارد که بر اساس آن، ارزش یک عمل تنها بر اساس پیامدهای آن سنجیده می‌شود.

وظیفه‌گرایی اخلاقی (Deontology) به معنای تأکید بر «وظیفه» و «عمل» است. این نظریه بر این باور است که برخی اعمال به خودی خود درست یا نادرست هستند، بدون توجّه به نتایج آنها. به عبارت دیگر، یک عمل ممکن است به لحاظ اخلاقی درست باشد حتی اگر نتایج آن نامطلوب باشد. این دیدگاه، ناپایامدگراست و بر این اساس، نیت و اصول اخلاقی، مهم‌تر از پیامدهای عمل هستند (حاجتی شورکی و عارفی، ۱۳۹۳: ۱۷-۳۶).

اصول کلیدی وظیفه‌گرایی عبارتند از:

۱. مطلق‌گرایی: وظیفه‌گرایی معمولاً به اصول مطلق اخلاقی اعتقاد دارد که باید در هر شرایطی رعایت شوند. برای مثال، راستگویی همیشه درست است، حتی اگر در شرایط خاص ممکن است منجر به نتایج بد شود.

۲. نیت خوب: در وظیفه‌گرایی، نیت فرد در انجام عمل اهمّیت زیادی دارد. نیت خوب نشان‌دهنده پذیرش مقرّرات اخلاقی معین است و می‌تواند معیار اصلی برای ارزیابی اخلاقی یک عمل باشد.

۳. مخالفت با شکنجه: یکی از مثال‌های بارز وظیفه‌گرایی، مخالفت با شکنجه است. حتی اگر شکنجه بتواند اطلاعات ارزشمندی را فراهم کند، از نظر وظیفه‌گرایان این عمل به دلیل ذاتاً نادرست بودن آن قابل قبول نیست (حاجتی شورکی و عارفی، ۱۳۹۳، ص ۱۷-۳۶).

وظیفه‌گرایی در تضاد با نظریّات غایت‌گرا قرار دارد که معتقدند درست بودن یک عمل بستگی به نتایج آن دارد. برای مثال، در نظریه‌های نتیجه‌گرا، یک عمل تنها در صورتی درست است که بیشترین خیر را ایجاد کند (حاجتی شورکی و عارفی، ۱۳۹۳، ص ۱۷-۳۶). وظیفه‌گرایی همچنین می‌تواند به دو دسته کلی تقسیم شود:

- وظیفه‌گرایی عمل‌نگر: تأکید بر احکام جزئی و خاص در موقعیّت‌های مختلف.

- وظیفه‌گرایی قاعده‌نگر: تأکید بر قواعد کلی و اصول ثابت اخلاقی.

در نهایت، وظیفه‌گرایی اخلاقی به عنوان یک رویکرد هنجاری شناخته می‌شود که بر اساس آن، معیارهای اخلاقی باید مستقل از پیامدها تعیین شوند.

وظیفه‌گرایی اخلاقی، یکی از مهمترین رویکردها در فلسفه اخلاق است که بر اساس آن، عمل اخلاقی به انجام وظایف و تعهدات خاصی بستگی دارد. این رویکرد بیشتر با نام ایمانوئل کانت شناخته می‌شود، که اصول اخلاقی را بر اساس عقل و وظایف عقلانی تعریف می‌کند. اصول کلیدی وظیفه‌گرایی عبارتند از:

• **عقلانیّت:** وظیفه‌گرایی بر این باور است که اصول اخلاقی باید بر اساس عقل و منطق

قرار گیرند. این اصول باید جهانی و قابل تعمیم به همه انسان‌ها باشند.

• **وظیفه:** در این رویکرد، عمل اخلاقی به انجام وظایف و تعهدات مشخص وابسته

است. فرد باید بر اساس آنچه که درست است عمل کند، نه بر اساس نتایج یا

پیامدهای اعمال.

• **احترام به انسانیت:** یکی از مهمترین اصول وظیفه‌گرایی، احترام به انسانیت و ارزش ذاتی هر فرد است. هر انسان باید به عنوان یک هدف در نظر گرفته شود و نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف دیگر (درستی و رضایی، ۱۳۹۴: ۱-۱۱).

در منابع دست اول فلسفه اخلاق، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

نقد عقل عملی (Critique of Practical Reason)، ایمانوئل کانت:

نقد عقل عملی یکی از آثار برجسته ایمانوئل کانت، فیلسوف آلمانی است که در سال ۱۷۸۸ منتشر شد. این اثر به بررسی اصول اخلاقی و وظایف انسانی می‌پردازد و مفهوم اراده آزاد را به عنوان یکی از ارکان اصلی اخلاق معرفی می‌کند. کانت در این اثر به دنبال ارائه یک بنیاد منطقی برای اخلاق است. او بر این باور است که اصول اخلاقی باید بر اساس عقل و نه بر اساس احساسات یا تجربیات شخصی بنا شوند. از نظر کانت، عمل اخلاقی تنها زمانی معتبر است که بر اساس یک قانون کلی و جهانی باشد که بتوان آن را به عنوان یک اصل عمومی برای همه انسان‌ها در نظر گرفت.

یکی از مفاهیم کلیدی در نقد عقل عملی مفهوم اراده آزاد است. کانت معتقد است که انسان‌ها دارای اراده‌ای آزاد هستند که به آنها اجازه می‌دهد تا انتخاب‌های اخلاقی خود را انجام دهند. این آزادی نه تنها به معنای انتخاب بین گزینه‌های مختلف است، بلکه به معنای توانایی عمل بر اساس اصول اخلاقی و وظایف انسانی نیز می‌باشد.

کانت در این اثر به تعریف وظایف انسانی می‌پردازد و آنها را به دو دسته تقسیم می‌کند:

۱. وظایف نسبت به خود: این وظایف شامل احترام به خود و تلاش برای رسیدن به کمال اخلاقی است.

۲. وظایف نسبت به دیگران: این وظایف شامل احترام به حقوق دیگران و تلاش برای تحقق خیر عمومی است.

نقد عقل عملی کانت نه تنها یک اثر فلسفی مهم در زمینه اخلاق است، بلکه تأثیر عمیقی بر تفکر مدرن داشته و مباحثات زیادی را در زمینه فلسفه اخلاق و نظریه‌های اجتماعی ایجاد کرده است. این اثر به ما یادآوری می‌کند که انسان‌ها با داشتن اراده آزاد، مسئولیت‌های اخلاقی خود را باید جدی بگیرند و بر اساس اصول عقلانی عمل کنند (ایمانوئل کانت، ۱۳۸۴: ۱-۲۷۲).

۳- غایت‌گرایی اخلاقی

غایت‌گرایی اخلاقی یکی از مکاتب اصلی در فلسفه اخلاق است که بر اساس آن، ارزش یک عمل اخلاقی به نتایج و پیامدهای آن بستگی دارد. این نظریه به بررسی معیارهای اخلاقی و تعیین ارزش افعال بر اساس غایت یا هدف نهایی آنها می‌پردازد.

غایت‌گرایی (Teleological Ethics) بر این اصل استوار است که خوبی و بدی یک عمل بر اساس نتایج آن تعیین می‌شود. در این دیدگاه، هر عملی که منجر به نتایج مثبت بیشتری نسبت به منفی‌ها شود، از لحاظ اخلاقی درست تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، اگر نتیجه یک عمل، بیشتر مطلوب باشد، آن عمل از نظر اخلاقی صحیح است (هربز، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۳۱).

در غایت‌گرایی، نظریات متنوعی وجود دارد که می‌توان آنها را به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

- لذت‌گرایی: این نظریه بر این باور است که عمل خوب آن است که لذت بیشتری برای فرد به ارمغان آورد. آریستوپوس و اپیکور از جمله فلاسفه‌ای هستند که بر لذت شخصی تأکید دارند.

- سودگرایی: این دیدگاه به دنبال بیشترین سود برای جمعیت است و نه تنها فرد. جرمی بنتام و جان استوارت میل از نمایندگان این نظریه هستند.

- کمال‌گرایی: در این مکتب، هدف نهایی انسان رسیدن به کمال و تحقق بالقوه‌های خود است.

غایت‌گرایی با نقدهایی نیز مواجه است. برخی منتقدان معتقدند که تمرکز صرف بر نتایج ممکن است منجر به نادیده گرفتن ارزش‌های ذاتی اعمال شود. برای مثال، ممکن است عملی که از نظر نتایج خوب است، در ذات خود غیر اخلاقی باشد. همچنین، این نظریه ممکن است به نوعی مادی‌گرایی منجر شود که تنها بر لذت‌های مادی تأکید دارد و جنبه‌های معنوی را نادیده می‌گیرد (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

غایت‌گرایی اخلاقی یکی از رویکردهای مهم در فلسفه اخلاق است که تأکید بر نتایج اعمال دارد. این نظریه با وجود مزایا و کاربردهای گسترده، با چالش‌ها و نقدهایی نیز مواجه است که نیازمند بررسی دقیق‌تر و جامع‌تر در زمینه‌های مختلف فلسفی و اخلاقی می‌باشد.

۱-۳ تحلیل اخلاقی در نهج البلاغه

تحلیل اخلاقی در نهج البلاغه، اثر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، به عنوان یکی از منابع اصلی فلسفه اخلاق در اسلام، ابعاد گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. این اثر نه تنها به بیان اصول اخلاقی می‌پردازد بلکه به تبیین مبانی و ساحت‌های مختلف اخلاق نیز توجه دارد.

ساحت‌های اخلاقی در نهج البلاغه عبارتند از:

۱. مبادی و مبانی اخلاق: این بخش به تبیین اصول بنیادینی می‌پردازد که دیگر عرصه‌های اخلاق بر آنها استوار است. امام علی (علیه السلام) بر امکان تربیت اخلاقی انسان تأکید دارد و به این نکته اشاره می‌کند که انسان‌ها می‌توانند از رذایل به فضایل منتقل شوند.
۲. اخلاق فردی: این ساحت شامل فضایل و رذایل اخلاقی است که به فرد مربوط می‌شود و نیاز به تعامل با دیگران ندارد. در نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام) به اهمیت تقوی و خودسازی تأکید می‌کند.
۳. اخلاق اجتماعی: امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه به مسئولیت‌های اجتماعی و تعاملات انسانی اشاره دارد و بر ضرورت رعایت اصول اخلاقی در روابط اجتماعی تأکید می‌کند.
۴. اخلاق بندگی: این بخش به آداب و رفتارهایی که انسان باید نسبت به خداوند رعایت کند، می‌پردازد. امام علی (علیه السلام) بر لزوم توجه به بندگی و آداب آن تأکید دارد.
۵. اخلاق محیط زیست: امام علی (علیه السلام) همچنین به اهمیت حفظ محیط زیست و احترام به موجودات زنده اشاره کرده و بر لزوم توجه انسان‌ها به طبیعت تأکید می‌کند (افشار، ۱۳۸۷: ۷۶).

در تحلیل نظام اخلاقی نهج البلاغه، شش عنصر کلیدی شناسایی شده است:

- ارزش‌ها: اصول بنیادین که رفتارهای اخلاقی را شکل می‌دهند.
- گرایش‌ها: تمایلات و انگیزه‌های انسانی که رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
- بینش‌ها: نگرش‌های فرد نسبت به زندگی و معنای آن.
- روش‌ها: شیوه‌های عملی برای تحقق رفتارهای اخلاقی.
- کنش‌ها: اعمال واقعی که نتیجه بینش‌ها و ارزش‌ها هستند.
- گویش‌ها: نحوه بیان افکار و احساسات که نشان‌دهنده وضعیت اخلاقی فرد است (درستی و رضایی، ۱۳۹۴: ۱-۱۱).

نهج‌البلاغه به عنوان یک منبع غنی از آموزه‌های اخلاقی، نه تنها به تبیین اصول نظری اخلاق می‌پردازد بلکه با ارائه راهکارهای عملی، انسان را در مسیر رشد و تعالی اخلاقی هدایت می‌کند. این اثر با جامعیت خود، ابعاد مختلف زندگی انسانی را پوشش داده و الگویی برای رفتارهای فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد.

۱-۱-۳ مفهوم اخلاق در نهج‌البلاغه

مفهوم اخلاق در نهج‌البلاغه و منابع دست اول فلسفه اخلاق به بررسی ابعاد مختلف اخلاقی در اندیشه‌های امام علی علیه السلام و تأثیرات آن بر زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد. این بررسی شامل تعاریف، ساحت‌ها و عناصر اخلاقی است که در متون اسلامی و فلسفی مطرح شده‌اند.

اخلاق به معنای صفات و ویژگی‌هایی است که در انسان شکل می‌گیرد و به صورت طبیعی و بدون تکلف از او سر می‌زند. این مفهوم از دو واژه «خُلِقَ» و «خَلَقَ» مشتق شده است که اولی به ویژگی‌های باطنی و دومی به ویژگی‌های ظاهری اشاره دارد. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به اهمیت اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی تأکید کرده و آن را اساس رفتارهای انسانی می‌داند (ابن مسکویه، ۱۴۲۲: ۳۴).

در نهج‌البلاغه، شش عنصر اصلی برای تشکیل یک نظام اخلاقی معرفی شده است:

۱. بینش‌ها
۲. ارزش‌ها
۳. گرایش‌ها
۴. روش‌ها
۵. کنش‌ها
۶. گویش‌ها

این عناصر به هم پیوسته‌اند و هر کدام نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی دارند (افشار، ۱۳۸۷: ۷۶).

اخلاق در نهج‌البلاغه به پنج ساحت اصلی تقسیم می‌شود:

۱. مبانی و مبانی اخلاق: اصول بنیادینی که دیگر عرصه‌های اخلاق بر آن پایه‌گذاری می‌شود.

۲. اخلاق الهی: اصول اخلاقی که انسان نسبت به خداوند باید رعایت کند.

۳. اخلاق فردی: فضایل و رذایل مرتبط با خود فرد.

۴. اخلاق اجتماعی: رفتارهایی که باید در تعامل با دیگران رعایت شود.

۵. اخلاق محیط زیست: توجه به محیط زیست و مسئولیت‌های انسانی نسبت به آن (ابن مسکویه، ۱۴۲۲: ۳۴).

در منابع دست اول فلسفه اخلاق، نظرات مختلفی درباره تعریف و ساختار علم اخلاق وجود دارد. ابن مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی و محمد مهدی نراقی هر کدام تعریف‌هایی از علم اخلاق ارائه داده‌اند که بر اهمیت فضایل و رذایل تأکید دارند (ابن مسکویه، ۱۴۲۲: ۳۴). این تعاریف نشان‌دهنده رویکردهای متفاوت نسبت به مفهوم اخلاق هستند، اما همگی بر ضرورت تربیت اخلاقی تأکید دارند.

مفهوم اخلاق در نهج البلاغه به عنوان یک نظام جامع، شامل ابعاد مختلف زندگی انسان است که بر رفتارهای فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این آموزه‌ها نه تنها در زمان امام علی علیه السلام بلکه در دنیای امروز نیز قابل توجه هستند و می‌توانند راهنمای مناسبی برای زندگی انسانی باشند.

۲-۱-۳ اصول اخلاقی در سخنان امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام، در سخنان و نوشتارهای خود، به ویژه در نهج البلاغه، اصول اخلاقی عمیق و جامعی را مطرح کرده است. این اصول نه تنها به رفتار فردی بلکه به روابط اجتماعی و حکومتی نیز تسری می‌یابد (مشایخی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲).

اصول اخلاقی در نهج البلاغه عبارتند از:

۱. شش عنصر نظام اخلاقی: در نهج البلاغه، امام علی علیه السلام شش عنصر اصلی را برای ایجاد یک نظام اخلاقی معرفی می‌کند که شامل:

ارزش‌ها: اصول بنیادین که رفتار انسان را هدایت می‌کند.

- گرایش‌ها: تمایلات و انگیزه‌های درونی که بر رفتار تأثیر می‌گذارد.
 - بینش‌ها: دیدگاه‌های اخلاقی که فرد نسبت به زندگی و دیگران دارد.
 - روش‌ها: شیوه‌های عملی برای تحقق ارزش‌ها.
 - کنش‌ها: رفتارهای واقعی که بر اساس ارزش‌ها شکل می‌گیرند.
 - گویش‌ها: نحوه بیان و کلام که نشان‌دهنده درون‌مایه اخلاقی فرد است.
۲. ساحت‌های پنج‌گانه اخلاق: اخلاق در نهج البلاغه به پنج ساحت تقسیم می‌شود:
- مبانی اخلاق: اصول بنیادی که رفتار انسانی را شکل می‌دهد.
 - اخلاق الهی: ارتباط انسان با خداوند و رعایت آداب بندگی.
 - اخلاق فردی: رفتارهای شخصی و مسئولیت‌های فردی.
 - اخلاق اجتماعی: تعاملات انسانی و مسئولیت‌های اجتماعی.
 - اخلاق محیط زیست: توجه به طبیعت و حفظ محیط زیست.
۳. عدالت و اخلاق: امام علی علیه السلام بر اهمیت عدالت به عنوان یکی از ارکان اخلاق تأکید دارد. او معتقد است که عدالت باید در تمام ابعاد زندگی، از جمله سیاست و اقتصاد، رعایت شود. این دو صفت (عدالت و اخلاق) از ویژگی‌های بارز او به شمار می‌روند و در طول زندگی‌اش همواره مورد توجه قرار داشته‌اند.
۴. امکان تربیت اخلاقی: امام علی علیه السلام بر این باور است که انسان‌ها قابلیت رشد و تعالی اخلاقی دارند. او با تأکید بر توبه و بازگشت از خطاها، نشان می‌دهد که اصلاح نفس، امکان‌پذیر است و انسان باید همواره در تلاش برای بهبود رفتارهای خود باشد.
۵. الگو بودن: شخصیت امام علی علیه السلام به عنوان یک الگوی اخلاقی شناخته می‌شود. او نه تنها در عرصه‌های سیاسی بلکه در زندگی روزمره نیز اصول اخلاقی را رعایت کرده و خود را به عنوان یک اسوه عملی معرفی کرده است (قربانی، ۱۳۸۸: ۱۰).
- سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه نمایانگر یک نظام اخلاقی جامع است که نه تنها به رفتار فردی بلکه به روابط اجتماعی نیز پرداخته است. این اصول می‌توانند راهنمای انسان‌ها برای زندگی بهتر و معنادارتر باشند.

۲-۳ تحلیل وظیفه‌گرایی در نهج البلاغه

وظیفه‌گرایی یکی از مکاتب مهم فلسفه اخلاق است که بر اساس آن، عمل اخلاقی بر اساس انجام وظایف و الزامات اخلاقی تعریف می‌شود. در نهج‌البلاغه، اثرات و آموزه‌های امام علی (علیه السلام) به وضوح نشان‌دهنده این رویکرد است. در ادامه به بررسی ابعاد مختلف وظیفه‌گرایی در نهج‌البلاغه پرداخته می‌شود.

وظیفه‌گرایی به معنای تأکید بر انجام وظایف و الزامات اخلاقی است که در آن، معیار خوب و بد بر اساس عمل به وظایف تعیین می‌شود. این مکتب اخلاقی، برخلاف نتیجه‌گرایی، بر عواقب اعمال تأکید ندارد بلکه بر خود عمل و نیت آن تمرکز دارد.

در نهج‌البلاغه، امام علی (علیه السلام) به وضوح بر اهمیت وظایف انسانی تأکید می‌کند. برخی از شاخص‌های کلیدی شامل:

- حقوق مسلمانان: امام علی (علیه السلام) در خطبه‌های خود به حرمت و حقوق مسلمانان اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که این حقوق باید با اخلاص و یگانه‌پرستی پیوند داشته باشد.

- مسئولیت اجتماعی: ایشان بر مسئولیت نسبت به جامعه و حتی موجودات دیگر تأکید دارد. این نگاه مسئولانه به وظایف، دامنه‌ای گسترده دارد که شامل پاسداری از حقوق جانداران نیز می‌شود.

- عدالت: یکی از اصول اساسی در آموزه‌های امام علی (علیه السلام) عدالت است که وی آن را به عنوان یک ضرورت عقلانی مطرح می‌کند. در خطبه‌های مختلف، ایشان بر این نکته تأکید دارد که عدالت باید در همه امور رعایت شود.

تحلیل گزاره‌های نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که امام علی (علیه السلام) مفاهیم وظیفه‌گرایی را در موقعیت‌های مختلف بیان کرده است. این گزاره‌ها می‌توانند به عنوان مبنای نظری برای شناخت وظایف اخلاقی در اسلام مورد استفاده قرار گیرند.

بررسی تطبیقی آموزه‌های نهج‌البلاغه با نظام‌های اخلاقی غربی نشان می‌دهد که رویکرد امام علی (علیه السلام) به وظیفه‌گرایی با برخی از نظریات مدرن همخوانی دارد، اما دارای ویژگی‌های خاص خود نیز هست. برای مثال، ایشان بر فضایل انسانی و عدالت تأکید بیشتری دارد که ممکن است در نظام‌های غربی کمتر مورد توجه قرار گیرد.

وظیفه‌گرایی در نهج‌البلاغه نه تنها به عنوان یک مکتب اخلاقی بلکه به عنوان یک راهنمای عملی برای زندگی روزمره مسلمانان مطرح است. آموزه‌های امام علی (علیه السلام) می‌تواند به عنوان

مرجع مهمی برای فهم عمیق‌تر از مسئولیت‌ها و حقوق انسانی در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

تحلیل وظیفه‌گرایی در نهج‌البلاغه و منابع دست اول در فلسفه اخلاق به بررسی اصول اخلاقی و وظایف انسانی از دیدگاه امام علی علیه السلام و نظریه‌های وظیفه‌گرا در فلسفه اخلاق می‌پردازد. این تحلیل شامل ابعاد مختلف وظیفه‌گرایی و تطابق آن با آموزه‌های نهج‌البلاغه است.

وظیفه‌گرایی یا Deontological Ethics، یکی از رویکردهای مهم در فلسفه اخلاق است که بر انجام وظایف و الزامات اخلاقی تأکید دارد. بر اساس این مکتب، اعمال به خودی خود دارای ارزش هستند و نتایج آنها در ارزیابی اخلاقی آنها تأثیرگذار نیست. این دیدگاه به ویژه در آثار فیلسوفانی چون امانوئل کانت توسعه یافته است که معتقد بود اعمال باید بر اساس وظیفه و نیت خیر انجام شوند نه بر اساس نتایج آنها (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲۵).

وظیفه‌گرایی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

- عمل‌نگر: این دسته معتقد است که تصمیم‌گیری درباره درست یا غلط بودن اعمال باید به طور جزئی و مستقل از قواعد کلی انجام شود.
- قاعده‌نگر: این دسته بر اساس مجموعه‌ای از قواعد کلی، معیارهای صواب و خطا را تعیین می‌کند (ریچلز، ۱۳۸۷: ۱۷۱-۱۸۱).

نهج‌البلاغه، کتابی که به سخنان و نامه‌های امام علی علیه السلام اختصاص دارد، منبع غنی‌ای برای تحلیل اصول اخلاقی و وظایف انسانی است. امام علی علیه السلام در این کتاب به ابعاد مختلف اخلاق توجه کرده و اصولی را برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه داده است.

تحلیل ساحت‌های پنج‌گانه اخلاق در نهج‌البلاغه شامل:

- اخلاق فردی: تأکید بر فضایل شخصی و خودسازی.
- اخلاق اجتماعی: روابط انسانی و مسئولیت‌های اجتماعی.
- اخلاق سیاسی: وظایف حاکمان و مدیران جامعه.
- اخلاق محیط زیست: توجه به طبیعت و محیط زیست.
- اخلاق بندگی: اصول رفتار انسان نسبت به خداوند (همان).

امام علی علیه السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر، به وظایف سیاسی - اخلاقی حاکمان اشاره کرده است. او بر اهمیت عدالت، مشورت با دیگران، پرهیز از خودپسندی و رعایت حقوق مردم تأکید می‌کند (ابن حیّون، ۱۳۸۵: ۲۵).

تحلیل وظیفه‌گرایی در نهج البلاغه نشان می‌دهد که این کتاب نه تنها اصول اخلاقی را مطرح می‌کند بلکه به تبیین وظایف انسانی نیز می‌پردازد. امام علی علیه السلام با تأکید بر ارزش ذاتی اعمال، بینش عمیقی از اخلاق را ارائه می‌دهد که با نظریات وظیفه‌گرایانه همخوانی دارد. این تطابق نشان‌دهنده اهمیت اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست.

۱-۲-۳ شواهد وظیفه‌گرایی در نهج البلاغه

وظیفه‌گرایی یکی از مفاهیم کلیدی در نهج البلاغه است که در خطبه ۱۵۱ به وضوح بیان شده است. این خطبه به تحلیل فتنه‌ها و وظایف مردم در مواجهه با آنها می‌پردازد و به نوعی اصول اخلاقی و اجتماعی را در زمینه‌های مختلف مطرح می‌کند.

وظیفه‌گرایی به معنای انجام مسئولیت‌ها و وظایف اخلاقی است که بر عهده افراد قرار دارد. این مفهوم در نهج البلاغه به‌ویژه در خطبه ۱۵۱، به عنوان یک اصل بنیادین در زندگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان مطرح می‌شود. در این خطبه، امام علی علیه السلام به تبیین وظایف مردم در دوران فتنه‌ها می‌پردازد. او بر اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از همکاری با فتنه‌گران تأکید می‌کند. برخی از نکات کلیدی این خطبه عبارتند از:

- پرهیز از همکاری با فتنه‌گران: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتْنِ، وَأَعْلَامَ الْبِدْعِ»، یعنی نباید خود را به عنوان پرچم فتنه‌ها قرار دهید و باید از نشانه‌های بدعت دوری کنید.

- حفظ پیوند اجتماعی: امام همچنین تأکید می‌کند که باید از آنچه پیوند جماعت بر آن است جدا نشوید و ارکان اطاعت را حفظ کنید.

- پرهیز از ظلم: او تأکید دارد که اگر بر سر دو راهی قرار گرفتید که یا حقوق مردم را نادیده بگیرید یا حق خود را فدای دیگران کنید، باید ترجیح دهید که از حق خود بگذرید تا به ظلم آلوده نشوید.

- مراقبت از گام‌های شیطانی: امام علی علیه السلام هشدار می‌دهد که باید از گام نهادن در راه‌های شیطانی پرهیز کرد و مراقب دام‌های شیطان بود.

- پرهیز از لقمه حرام: او همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که نباید لقمه‌های حرام حتی اگر اندک باشد، وارد شکم خود کنید. زیرا شما تحت نظر کسی هستید که معصیت را بر شما حرام کرده است.

وظیفه‌گرایی در نهج‌البلاغه به عنوان یک اصل بنیادین نه تنها بر مسئولیت فردی بلکه بر مسئولیت اجتماعی نیز تأکید دارد. این خطبه نشان‌دهنده اهمیت آگاهی، هوشیاری و عمل به وظایف اخلاقی در زمانهای بحرانی است. امام علی علیه السلام با بیان این اصول، راهنمایی‌های لازم برای حفظ دین و جامعه را ارائه می‌دهد.

وظیفه‌گرایی (Deontology) یکی از نظریه‌های مهم در فلسفه اخلاق است که بر اساس آن، عمل اخلاقی به انجام وظایف و الزامات اخلاقی بستگی دارد، نه به نتایج آن. در متون اسلامی، به ویژه در نهج‌البلاغه، شواهد متعددی از این رویکرد وجود دارد که می‌توان به بررسی آنها پرداخت.

شواهد در نهج‌البلاغه عبارتند از:

۱. حکمت ۲۸۹ نهج‌البلاغه: این حکمت به توصیف ویژگی‌های یک انسان کامل می‌پردازد و بر اهمیت عمل به وظایف اخلاقی تأکید می‌کند. امام علی علیه السلام در این حکمت به صفات نیکو و رفتارهای شایسته اشاره می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت عمل به وظایف اخلاقی است و این نشان‌دهنده رویکرد وظیفه‌گرایانه در اخلاق اسلامی است.

۲. مدح و ذم اعمال: در نهج‌البلاغه، اعمال انسان‌ها بر اساس ویژگی‌های ذاتی آنها مورد قضاوت قرار می‌گیرد، نه صرفاً بر اساس نتایج آنها. این قضاوت بر اساس رابطه علی و معلولی میان فعل و نتیجه آن است که نشان‌دهنده رویکرد وظیفه‌گرایی است. امام علی علیه السلام به این نکته اشاره دارد که خوب و بد باید‌ها هستند که از طبیعت اعمال ناشی می‌شوند.

۳. تأکید بر عدالت و انصاف: امام علی علیه السلام در بیانات خود بر اهمیت عدالت و انصاف تأکید می‌کند که از اصول بنیادین وظیفه‌گرایی محسوب می‌شود. او به پیروان خود توصیه

می‌کند که در قضاوت‌ها و رفتارهای خود به اصول اخلاقی پایبند باشند و از تبعیض پرهیز کنند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱-۸۲).

در فلسفه اخلاق اسلامی، اندیشمندان شیعه نظیر محقق طوسی نیز به تبیین مفاهیم خوب و بد پرداخته‌اند. او بر این باور است که خوب بودن یک عمل، ناشی از رابطه علی آن با سعادت بخشی است و بد بودن نیز ناشی از رابطه آن با شقاوت بخشی. این دیدگاه به وضوح با اصول وظیفه‌گرایی همخوانی دارد. زیرا بر اساس آن، انسان‌ها باید به انجام اعمال نیکو پایبند باشند؛ بدون توجه به نتایج آنها (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷-۴۸).

شواهد موجود در نهج البلاغه و منابع فلسفی اسلامی نشان‌دهنده وجود یک رویکرد وظیفه‌گرایانه قوی در تفکر اسلامی است. امام علی علیه السلام با تأکید بر اهمیت عمل به وظایف اخلاقی و عدالت، اصول بنیادین این نظریه را تبیین کرده است. همچنین، اندیشمندان شیعه نیز با تحلیل دقیق مفاهیم خوب و بد، پایه‌های نظریه وظیفه‌گرایی را تقویت کرده‌اند.

۱-۲-۳ بررسی متون و گزیده‌ها

متون و گزیده‌های وظیفه‌گرایی در نهج البلاغه به بررسی اصول اخلاقی و وظایف انسانی از دیدگاه امام علی علیه السلام می‌پردازد. این متون به وضوح نشان‌دهنده توجه امام به ابعاد مختلف زندگی انسان و تأکید بر اخلاق در روابط فردی و اجتماعی است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱-۸۲).

وظیفه‌گرایی در نهج البلاغه عبارتند از:

۱. تعهد به اصول اخلاقی: امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بر اهمیت پایبندی به اصول اخلاقی تأکید می‌کند و معتقد است که هر فرد باید در زندگی خود به این اصول عمل کند. او در نامه‌ای به مالک اشتر، پیش از هر چیز به رعایت تقوا و اخلاق اشاره می‌کند و از او می‌خواهد که به اوامر و نواهی خداوند پایبند باشد.

۲. ساحت‌های اخلاقی: نهج البلاغه به ساحت‌های مختلف اخلاقی اشاره دارد که شامل:

- اخلاق فردی: فضایل و رذایل اخلاقی که تنها وابسته به خود فرد است.
- اخلاق اجتماعی: ارتباطات فرد با دیگران و مسئولیت‌های اجتماعی.
- اخلاق بندگی: آداب و اخلاق مربوط به رابطه انسان با خداوند.

۳. قاعده زرّین: امام علی علیه السلام در متون خود بر قاعده زرّین تأکید دارد که بیانگر این است که انسان باید در رفتارهای خود عدالت را رعایت کند و از ظلم پرهیز نماید. این قاعده نشان‌دهنده اهمّیت وظیفه‌گرایی در زندگی روزمره است.

۴. مسئولیت اجتماعی: وظایف حاکمان و مسئولین نیز در نهج البلاغه مورد توجّه قرار گرفته است. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر، او را به رعایت حقوق مردم، عدالت‌خواهی، و دوری از خودپسندی توصیه می‌کند.

۵. امکان رشد اخلاقی: امام علی علیه السلام بر این باور است که انسان‌ها می‌توانند از خطاهای خود بازگردند و رشد کنند. او تأکید می‌کند که توبه و بازگشت از گناه امکان‌پذیر است و این موضوع نشان‌دهنده اعتقاد وی به اراده و اختیار انسان است (خاتمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۳-۱۲۶).

این گزیده‌ها نمایانگر عمق تفکّر امام علی علیه السلام درباره وظایف انسانی و اهمّیت اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی هستند که هنوز هم می‌تواند الگوی مناسبی برای انسان‌ها باشد.

۲-۱-۳ تحلیل مفاهیم مرتبط

تحلیل مفاهیم مرتبط با وظیفه‌گرایی در نهج البلاغه و منابع دست اول در فلسفه اخلاق نیازمند بررسی عمیق و تطبیقی است. وظیفه‌گرایی به عنوان یک نظریه اخلاقی، بر این اصل تأکید دارد که برخی اعمال به خودی خود درست یا نادرست هستند، بدون توجّه به نتایج آنها. این نظریه در تقابل با غایت‌گرایی قرار دارد که بر اساس پیامدها و نتایج اعمال قضاوت می‌کند. در نهج البلاغه، تأکید بر انجام وظایف و الزامات اخلاقی به وضوح دیده می‌شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیانات خود به اهمّیت انجام وظایف بدون توجّه به نتایج آنها اشاره کرده و بر این نکته تأکید دارد که عمل صالح باید به خاطر خود عمل انجام شود. برای مثال، در خطبه‌ها و نامه‌های ایشان، مفهوم عدالت و وفای به عهد به عنوان وظایف اخلاقی، برجسته شده است (زمانی و قافی، ۱۳۹۹: ۱-۱۰).

در فلسفه اخلاق، امانوئل کانت یکی از نمایندگان برجسته وظیفه‌گرایی است. او معتقد است که اعمال باید بر اساس اصول عقلانی و اخلاقی انجام شوند، نه بر اساس نتایج آنها.

کانت بر این باور است که اراده نیک و انجام وظیفه اخلاقی از ارکان اصلی رفتارهای انسانی هستند (محمدی پویا، ۱۳۹۸: ۴۵-۶۳).

علامه طباطبایی نیز در آثار خود به مبانی وظیفه‌گرایی پرداخته و اخلاق را مبتنی بر تکلیف الهی می‌داند. او معتقد است که شناخت وظایف انسانی باید از طریق عقل و وحی صورت گیرد تا انسان بتواند به درستی از بین اعمال مختلف، انتخاب کند (زمانی و قافی، ۱۳۹۹: ۱-۱۰).

مقایسه مفاهیم:

مفهوم	نهج البلاغه	فلسفه اخلاق (کانت)	علامه طباطبایی
وظیفه	انجام کارهای نیک بدون توجه به نتیجه	عمل بر اساس اصول عقلانی	شناخت وظایف از طریق عقل و وحی
عدالت	محور اصلی رفتار	نتیجه‌ای از اجرای وظایف	جزء لاینفک اخلاق
اراده نیک	انگیزه الهی برای عمل	شرط لازم برای عمل صحیح	مبتنی بر عشق و محبت الهی

تحلیل مفاهیم مرتبط با وظیفه‌گرایی در نهج البلاغه و منابع فلسفی نشان می‌دهد که هر دو رویکرد بر اهمیت انجام وظایف تأکید دارند اما از زوایای مختلف به این موضوع نگاه می‌کنند. نهج البلاغه بیشتر بر مبنای دینی و الهی تأکید دارد، در حالی که فلسفه‌های غربی همچون نظریات کانت بیشتر بر اصول عقلانی متمرکز هستند (محمدی پویا، ۱۳۹۸: ۴۵-۶۳).

۳-۲-۱-۳ تأثیرات وظیفه‌گرایی بر رفتارهای اخلاقی در نهج البلاغه

وظیفه‌گرایی به عنوان یک مکتب اخلاقی، بر این باور استوار است که عمل اخلاقی باید بر اساس وظایف و اصول مشخص انجام شود، بدون توجه به پیامدهای آن. در نهج البلاغه، آموزه‌های امام علی علیه السلام به وضوح نشان‌دهنده تأکید بر این نوع از اخلاقیات است.

عناصر کلیدی وظیفه‌گرایی در نهج البلاغه عبارتند از:

۱. بینش و ارزش‌ها: امام علی علیه السلام بر اهمیت بینش‌های صحیح و ارزش‌های انسانی تأکید دارد. اصلاح بینش‌ها و ارزش‌ها به ایجاد رفتارهای اخلاقی کمک می‌کند و این امر نشان‌دهنده پیوند عمیق بین وظیفه‌گرایی و رفتارهای اخلاقی است.

۲. کنش‌ها و واکنش‌ها: در آموزه‌های امام، رفتارها باید بر اساس اصول اخلاقی و وظایف فردی شکل بگیرند. او بر این باور است که کنش‌های اخلاقی باید از بینش‌ها و ارزش‌های درست نشأت بگیرند.

۳. عدالت و حق‌طلبی: یکی از مؤلفه‌های اصلی وظیفه‌گرایی در نهج‌البلاغه، عدالت محوری است. امام علی علیه السلام عدالت را به معنای قرار دادن هر چیزی در جای خود تعریف می‌کند و این اصل را به عنوان یک وظیفه اخلاقی برای همه افراد جامعه معرفی می‌کند.

۴. پرهیز از خودبزرگ‌بینی: امام علی علیه السلام بر اهمیت پرهیز از خودبزرگ‌بینی و نافرمانی از اصول اخلاقی تأکید دارد. او معتقد است که فرد باید به حقوق دیگران احترام بگذارد و از ظلم و ستم دوری کند.

نتایج تأثیرات وظیفه‌گرایی بر رفتارهای اخلاقی عبارتند از:

- تقویت رفتارهای مثبت: با پیروی از اصول وظیفه‌گرایی، افراد می‌توانند رفتارهای مثبت‌تری را در جامعه ایجاد کنند که منجر به تقویت روابط انسانی و اجتماعی خواهد شد.

- ایجاد جامعه‌ای عادلانه: با تأکید بر عدالت و حق‌طلبی، جامعه‌ای شکل می‌گیرد که در آن حقوق همه افراد محترم شمرده می‌شود.

- پیشگیری از فساد اخلاقی: با رعایت اصول وظیفه‌گرایی، افراد کمتر در معرض فساد اخلاقی قرار می‌گیرند و این امر به ارتقای سطح اخلاق اجتماعی کمک می‌کند.

تأثیرات وظیفه‌گرایی بر رفتارهای اخلاقی در نهج‌البلاغه نشان‌دهنده اهمیت اصول اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی است. آموزه‌های امام علی علیه السلام به عنوان یک راهنمای عملی برای ایجاد یک جامعه سالم و عادلانه عمل می‌کند که در آن هر فرد موظف است تا به وظایف اخلاقی خود عمل کند.

وظیفه‌گرایی به عنوان یکی از مکاتب فلسفی اخلاق، بر اساس اصول و قواعد مشخصی عمل می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه کارهایی باید انجام شود. در نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام به تبیین اصول اخلاقی پرداخته و تأثیرات این مکتب را بر رفتارهای اخلاقی بررسی کرده است.

وظیفه‌گرایی در نهج‌البلاغه عبارتند از:

۱. تعریف وظیفه‌گرایی: این مکتب بر اساس قواعد و اصول مشخص، بر انجام وظایف تأکید دارد و به نتایج اعمال کمتر توجه می‌کند. امام علی علیه السلام در کلام خود به اهمیت انجام وظایف اخلاقی اشاره می‌کند و بر این باور است که هر عمل باید با توجه به عدالت و انصاف انجام شود.

۲. معیارهای اخلاقی: در نهج البلاغه، دو اصل کلیدی عدالت و حق‌طلبی به عنوان معیارهای ارزشی مطرح شده‌اند. این اصول شامل رعایت انصاف، مساوات و قرار دادن هر چیز در جای خود هستند. امام علی علیه السلام تأکید دارد که وظایف اخلاقی باید با توجه به حقیقت امور و حقوق انسان‌ها انجام شوند.

۳. تأثیرات بر رفتارهای اخلاقی: از دیدگاه امام علی علیه السلام، رفتارهای اخلاقی باید مبتنی بر وظایف انسانی باشند. وی معتقد است که افعال انسان باید نهایتاً به سوی غایتی متعالی هدایت شوند که همان تقرب به کمال مطلق است (جعفری، ۱۳۸۰: ۱۹). این رویکرد نشان‌دهنده آن است که حتی در چارچوب وظیفه‌گرایی، توجه به نتایج نیز ضروری است.

وظیفه‌گرایی در نهج البلاغه با دیگر مکاتب اخلاقی مانند نتیجه‌گرایی و فضیلت‌گرایی مقایسه می‌شود. در حالی که نتیجه‌گرایی بر پیامدهای اعمال تأکید دارد، امام علی علیه السلام نشان می‌دهد که تمام افعال باید با توجه به اصول اخلاقی و وظایف انسانی انجام شوند (سرلک و سعیدی، ۱۳۹۹: ۲۰-۱).

تأثیرات وظیفه‌گرایی بر رفتارهای اخلاقی در نهج البلاغه نشان‌دهنده یک نظام اخلاقی جامع است که هم به قواعد و هم به نتایج توجه دارد. امام علی علیه السلام با تأکید بر عدالت و حق‌طلبی، راهکارهایی برای تحقق رفتارهای اخلاقی ارائه می‌دهد که می‌تواند الگوی مناسبی برای زندگی انسانی باشد.

۴-۱-۲-۳ نمونه‌های عملی از زندگی امام علی علیه السلام

در بررسی نمونه‌های عملی از وظیفه‌گرایی بر رفتارهای اخلاقی در نهج البلاغه و زندگی امام علی علیه السلام، می‌توان به چندین جنبه کلیدی اشاره کرد که نشان‌دهنده تأثیر این مکتب اخلاقی بر رفتارها و آموزه‌های ایشان است.

وظیفه‌گرایی اخلاقی به عنوان یکی از مکاتب اصلی اخلاق، بر عمل به وظایف و الزامات اخلاقی تأکید دارد. در نهج‌البلاغه، امام علی (علیه السلام) به این موضوع به وضوح اشاره کرده و بر اهمیت شناخت و انجام وظایف فردی و اجتماعی تأکید می‌کند.

۱. تعهد به حقوق دیگران: امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ها و نامه‌های خود، بارها به اهمیت حرمت مسلمانان و حقوق آنها اشاره کرده است. ایشان می‌فرمایند: «خدا حرمت مسلمان را از دیگر حرمت‌ها برتر نهاده و حقوق مسلمان را با اخلاص و یگانه‌پرستی پیوند داده است». این بیان نشان‌دهنده نگاه عمیق امام به مسئولیت‌های فردی در قبال دیگران است.

۲. نگاه مسئولانه به وظایف: از دیدگاه امام، وظیفه‌شناسی فقط محدود به انسان‌ها نیست بلکه شامل تمامی موجودات زنده نیز می‌شود. ایشان در خطبه‌ای می‌فرمایند: «شما مسئولید حتی نسبت به سرزمین‌ها و چهارپایان». این بیان نشان‌دهنده وسعت دامنه وظایف اخلاقی است که امام علی (علیه السلام) برای پیروان خود ترسیم کرده‌اند.

۳. تأکید بر عقلانی بودن وظایف: امام علی (علیه السلام) مفهوم وظیفه را به عنوان امری عقلانی معرفی می‌کند که در برابر حق، معین شده و باید ادا شود. این دیدگاه، وظیفه را نه تنها یک الزام شرعی، بلکه یک ضرورت عقلانی می‌داند (اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۸).

امام علی (علیه السلام) در تربیت فرزندان و پیروان خود از روش‌هایی استفاده می‌کند که بر مبنای وظیفه‌گرایی بنا شده‌اند:

۱. الگوپذیری: ایشان خود را الگویی برای دیگران قرار داده و با پیروی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، سعی در تربیت انسان‌ها با تکیه بر اصول اخلاقی دارند.

۲. عبرت‌آموزی: امام علی (علیه السلام) تأکید دارند که عبرت گرفتن از وقایع گذشته می‌تواند انسان را به سوی رشد و تکامل هدایت کند. ایشان در سخنانی می‌فرمایند: «عبرت گرفتن، انسان را به سوی راه صواب می‌کشاند».

۳. تذکر و یادآوری: روش‌های تربیتی امام شامل تذکر و یادآوری نعمت‌ها و تکالیف است که ابتدا باید در حق خود فرد انجام شود و سپس در حق دیگران (سبحانی نیا، ۱۴۰۲: ۱۲۳-۱۴۶).

وظیفه‌گرایی در نهج‌البلاغه نه تنها مبنای نظری برای رفتارهای اخلاقی امام علی (علیه السلام) فراهم کرده، بلکه در عمل نیز نمودهای واضحی دارد. ایشان با تأکید بر حقوق دیگران، مسئولیت‌های

اجتماعی، عقلانی بودن وظایف، الگوپذیری، عبرت‌آموزی و تذکر، یک نظام اخلاقی جامع را ترسیم کرده‌اند که همچنان برای جوامع اسلامی امروز قابل استفاده است.

۴- تحلیل غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه

غایت‌گرایی، یکی از نظریات مهم در فلسفه اخلاق، به بررسی نتایج و پیامدهای اعمال انسانی می‌پردازد. در نهج‌البلاغه، اندیشه‌های امام علی (علیه السلام) به نوعی با اصول غایت‌گرایی مرتبط است که در اینجا به تحلیل آن می‌پردازیم.

غایت‌گرایی اخلاقی به این معناست که ارزش یک عمل بر اساس نتایج آن سنجیده می‌شود. در این نظریه، اگر یک عمل به نتایج مثبت و مطلوب منجر شود، خوب و اگر به نتایج منفی بینجامد، بد تلقی می‌شود. این نظریه در فلسفه اخلاق به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: خودگرایی که بر نفع فردی تأکید دارد و دیگرگرایی که به نفع جمع توجه دارد.

غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه عبارتند از:

۱. مبانی اخلاقی: در نهج‌البلاغه، امام علی (علیه السلام) بر اهمیت اخلاق و نتایج اعمال تأکید می‌کند. ایشان معتقدند که هدف نهایی انسان باید رسیدن به خیر برای خود و دیگران باشد. این رویکرد می‌تواند به عنوان یک نوع غایت‌گرایی در نظر گرفته شود که در آن خیر عمومی و فردی در نظر گرفته می‌شود.

۲. آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی: امام علی (علیه السلام) همچنین تعادل بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی را مورد توجه قرار می‌دهد. او بر این باور است که باید اهداف بلندمدت را در نظر گرفت، اما در عین حال باید واقعیت‌های اجتماعی و شرایط زمانه را نیز مدنظر داشت. این دیدگاه نشان‌دهنده یک رویکرد غایت‌گراست که همزمان به نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت توجه دارد.

۳. ساحت‌های اخلاقی: نهج‌البلاغه به پنج ساحت اخلاقی اشاره دارد: مبادی و مبانی اخلاق، آداب بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق محیط زیست. هر یک از این ساحت‌ها نیازمند توجه به نتایج اعمال است تا بتواند به رشد و تعالی انسان کمک کند.

تحلیل غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه نشان‌دهنده آن است که امام علی (علیه السلام) با تأکید بر اهمیت نتایج اعمال، رویکردی جامع نسبت به اخلاق ارائه می‌دهد. او با تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، تلاش دارد تا راهکارهایی برای دستیابی به خیر عمومی و فردی ارائه دهد. بدین

ترتیب، نهج‌البلاغه منبعی غنی برای فهم عمیق‌تر از اصول غایت‌گرایی در اخلاق اسلامی محسوب می‌شود.

تحلیل غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه و منابع دست اول در فلسفه اخلاق به بررسی تطابق آموزه‌های اخلاقی این اثر با نظریه‌های اخلاقی مختلف می‌پردازد. غایت‌گرایی به عنوان یکی از مهمترین نظریه‌ها در فلسفه اخلاق، بر این باور است که ارزش یک عمل اخلاقی بر اساس نتایج و عواقب آن تعیین می‌شود. در این راستا، نهج‌البلاغه به عنوان منبعی غنی از اندیشه‌های اسلامی، به تبیین اصول اخلاقی و غایات آن پرداخته است.

غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه با تأکید بر توحید و ارتباط انسان با خداوند، به نوعی از غایت‌گرایی فضیلت‌محور اشاره دارد. این نوع غایت‌گرایی به دنبال تحقق توحید حضوری و انقطاع الی الله است که با دیدگاه‌های رایج در فلسفه اخلاق غربی قابل انطباق نیست.

در نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام به بررسی ابعاد مختلف اخلاق می‌پردازد. این ابعاد شامل:

- مبانی اخلاق: اصول بنیادینی که دیگر عرصه‌های اخلاق بر آن پایه‌گذاری می‌شود.
- اخلاق فردی و اجتماعی: تأکید بر مسئولیت فرد نسبت به خود و جامعه.
- اخلاق بندگی: اصول اخلاقی که انسان نسبت به خداوند باید رعایت کند (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷-۴۸).

غایت‌گرایی در فلسفه غرب، به ویژه در نظریات سودگرایی، بر پایه لذت و کاهش رنج بنا شده است. این نظریات معمولاً بر اساس نتایج عملی اعمال قضاوت می‌کنند و هدف نهایی را خوشبختی یا رفاه عمومی می‌دانند (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۶ - ۴۵). اما در نهج‌البلاغه، غایت‌ها فراتر از لذت و سود شخصی بوده و به سمت کمال معنوی و ارتباط عمیق با خداوند هدایت می‌شوند.

تحقیقات نشان می‌دهد که آموزه‌های نهج‌البلاغه با نظریات غایت‌گرایی فضیلت‌محور سازگاری بیشتری دارد. این آموزه‌ها بر اهمیت نیت و هدف عمل تأکید دارند و نشان‌دهنده یک نظام اخلاقی جامع هستند که در آن، ارزش‌های انسانی و الهی هم‌زمان مد نظر قرار می‌گیرند (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷-۴۸).

غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه نشان‌دهنده یک رویکرد عمیق‌تر نسبت به اخلاق است که فراتر از نتایج مادی و دنیوی عمل می‌کند. این رویکرد نه تنها به تبیین اصول اخلاقی کمک می‌کند

بلکه زمینه‌ای برای رشد معنوی فرد فراهم می‌آورد که در نهایت منجر به نزدیکی بیشتر به خداوند می‌شود.

۱-۴ شواهد غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه

غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه یکی از مباحث مهم در فلسفه و کلام اسلامی است که به بررسی اهداف و مقاصد اعمال انسانی می‌پردازد. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به‌طور مکرر بر اهمیت شناخت غایت و نتیجه اعمال تأکید کرده است. این موضوع به‌ویژه در خطبه‌ها و نامه‌های ایشان به وضوح مشاهده می‌شود.

نشانه‌های غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه عبارتند از:

۱. غایت‌شناسی و عقل‌گرایی

امام علی علیه السلام به روشنی بیان می‌کند که شناخت غایت عمل، انسان را در انتخاب مسیر صحیح یاری می‌کند. او می‌فرماید: «پس آنکه با چشم دل بنگرد و با دیده درون کار کند، آغاز کارش آن است که بیاندیشد که آیا عمل او به سود اوست یا به زیان او؟» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۴)

این بیان نشان‌دهنده اهمیت تفکر و تعقل در انتخاب اعمال است و به انسان توصیه می‌کند که پیش از اقدام، نتیجه کار خود را بررسی کند.

۲. انتقاد از عدم تعقل: امام علیه السلام همچنین در خطبه ۱۶۶، مخاطبان را به خاطر پیروی از روش‌های جاهلیت و عدم تفکر در دین سرزنش می‌کند. این انتقاد به نوعی دعوت به تعقل و تفکر در امور الهی است که نشان‌دهنده اهمیت غایت‌گرایی در اندیشه‌های ایشان است.

۳. تأکید بر مشورت و دوری از خودرایی: در حکمت ۱۶۱ نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام بر اهمیت مشورت تأکید می‌کند و خودرایی را نکوهش می‌کند. این نکته نیز بخشی از غایت‌گرایی است. زیرا مشورت کردن به انسان کمک می‌کند تا با دیدگاه‌های مختلف آشنا شود و تصمیمات بهتری اتخاذ کند.

۴. ارتباط غایت‌گرایی با دین: غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه نه تنها به مسائل دنیوی بلکه به مسائل آخرت نیز مرتبط است. امام علی علیه السلام بر این باور است که عقل باید در فهم حقایق دینی نیز نقش ایفا کند. چرا که شناخت صحیح از اهداف دین نیازمند تعقل و تفکر عمیق است.

در مجموع، نهج‌البلاغه با تأکید بر عقل‌گرایی و غایت‌شناسی، دعوت به تفکر و تعقل را یکی از ارکان اصلی زندگی انسانی معرفی می‌کند که می‌تواند انسان را در مسیر صحیح هدایت کند.

غایت‌گرایی یکی از نظریه‌های مهم در فلسفه اخلاق است که بر اساس آن، ارزش اخلاقی یک عمل به نتایج و پیامدهای آن بستگی دارد. در متون اسلامی، به ویژه در نهج‌البلاغه، شواهدی از این نوع تفکر وجود دارد که می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

در پژوهش‌های اخیر، نظریه‌ای تحت عنوان «غایت‌انگاری فضیلت‌بنیاد» از آموزه‌های نهج‌البلاغه استخراج شده است. این نظریه به این معناست که غایت نهایی اعمال اخلاقی باید بر اساس فضیلت و کمال انسانی تعیین شود. بر اساس این دیدگاه، غایت مورد نظر امام علی (علیه السلام)، توحید حضوری و انقطاع الی الله است که با دیدگاه‌های متعارف غایت‌گرایی قابل انطباق نیست (سبحانی و رضایی اصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۰۳).

تحقیقات نشان می‌دهد که آموزه‌های نهج‌البلاغه به طور خاص با نظریات اخلاقی غربی، مانند وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی، تفاوت‌های اساسی دارد. در حالی که مکاتب غربی بیشتر بر نتایج و پیامدهای اعمال تأکید دارند، نهج‌البلاغه بر فضیلت‌های ذاتی و کمال انسانی تأکید می‌کند. برای مثال، امام علی (علیه السلام) در حکمت‌های خود به اهمیت فاعل و نیت او اشاره دارد و بیان می‌کند که «فاعل خیر بهتر از خود عمل خیر است». فضیلت‌گرایی به عنوان یکی از رویکردهای اصلی در فلسفه اخلاق اسلامی، در نهج‌البلاغه به وضوح قابل مشاهده است. امام علی (علیه السلام) بر این باور است که اعمال انسانی باید بر اساس فضایل اخلاقی سنجیده شوند. این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت شخصیت و نیت فرد در تعیین ارزش عمل است. در نهایت، شواهد موجود در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که غایت‌گرایی در این بند به شکلی عمیق‌تر و با تأکید بر فضایل انسانی و کمالات روحانی مطرح شده است. این رویکرد می‌تواند به عنوان یک نظریه تلفیقی در فلسفه اخلاق اسلامی مورد توجه قرار گیرد که فراتر از دیدگاه‌های متعارف غربی است (سبحانی و رضایی اصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۰۴).

۴-۱-۱ بررسی متون و گزیده‌ها

غایت‌گرایی به عنوان یکی از مکاتب مهم فلسفی در اخلاق، در متون اسلامی به ویژه در نهج‌البلاغه امام علی علیه السلام به وضوح قابل مشاهده است. این مکتب بر این اساس استوار است که اعمال انسانی باید بر اساس اهداف و نتایج ارزیابی شوند. در این بند، به بررسی نشانه‌ها و گزیده‌های غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه و ارتباط آن با منابع دست اول در فلسفه اخلاق پرداخته می‌شود.

۱. غایت‌شناسی در نهج‌البلاغه: غایت‌شناسی به معنای شناخت هدف و نتیجه اعمال انسانی است. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به اهمیت این شناخت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «پس آنکه با چشم دل بنگرد و با دیده درون کار کند، آغاز کارش آن است که بیاندیشد که آیا عمل او به سود اوست یا به زیان او؟» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۴)

این بیان نشان‌دهنده این است که عقل انسان باید در ارزیابی اعمالش به کار گرفته شود تا از زیان جلوگیری کند و به منفعت برسد.

۲. معیارهای اخلاقی در نهج‌البلاغه: در پژوهش‌ها مشخص شده است که دو اصل کلیدی عدالت و حق‌طلبی به عنوان معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه مطرح شده‌اند. این اصول شامل موارد زیر هستند:

عدالت: رعایت انصاف، مساوات و قرار دادن هر چیز در جای خود، رعایت حقوق دیگران. حق‌طلبی: تحقق واقعیت و حقیقت امور، توجه به استحقاق انسان‌ها و مطالبه حقوقشان (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۳۴۵).

این اصول نشان‌دهنده رویکرد غایت‌گرایانه امام علی علیه السلام هستند که بر اساس آن، انسان باید به دنبال تحقق اهداف مثبت و جلوگیری از نتایج منفی باشد.

۳. غایت‌گرایی در فلسفه اخلاق: غایت‌گرایی در فلسفه اخلاق به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

- وظیفه‌گرایی: تأکید بر انجام وظایف اخلاقی بدون توجه به نتایج.
- سودگرایی: تأکید بر حداکثر کردن خوشبختی یا منفعت (اسلوت و سهرابی فرد، ۱۳۹۲: ۱۶۴-۱۸۲).

در نهج‌البلاغه، آموزه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد این مکتب اخلاقی نمی‌تواند کاملاً منطبق با این دو دیدگاه باشد بلکه ترکیبی از آنها را ارائه می‌دهد. برای مثال، امام علی علیه السلام بر

اهمّیت عقل و تفکر تأکید دارد که نشان‌دهنده رویکردی متعادل بین وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۳۴۵).

غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه امام علی علیه السلام با تأکید بر عقلانیت و ارزیابی نتایج اعمال، اصول اخلاقی را شکل می‌دهد که می‌تواند راهنمای انسان‌ها در زندگی باشد. این آموزه‌ها نه تنها در متون اسلامی بلکه در فلسفه اخلاق نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند و نشان‌دهنده اهمّیت تفکر انتقادی و هدفمندی در زندگی انسانی هستند.

۲-۱-۴ تحلیل مفاهیم مرتبط

غایت‌گرایی یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه اخلاق است که در نهج‌البلاغه نیز به وضوح مطرح شده است. این مفهوم به بررسی نتایج و اهداف اعمال انسانی می‌پردازد و در آموزه‌های امام علی علیه السلام به عنوان معیاری برای سنجش درستی یا نادرستی رفتارها مطرح می‌شود. غایت‌گرایی در اخلاق به این معناست که ارزش یک عمل بر اساس نتایج و اهداف آن تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، یک عمل تنها زمانی خوب است که منجر به نتایج مثبت و مطلوب شود. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به اهمّیت شناخت غایت و نتیجه اعمال تأکید می‌کند. او بیان می‌کند که عقل انسان را در شناخت غایت اعمال یاری می‌دهد و فرد باید با تعقل بسنجد که آیا عمل او به سود اوست یا به زیان او؟ (تمیمی آمدی و عبدالواحد، ۱۴۱۳: ۲۳۳).

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۵۴ می‌فرماید: «پس آنکه با چشم دل بنگرد و با دیده درون کار کند، آغاز کارش آن است که بیاندیشد آیا عمل او به سود اوست یا به زیان او؟» این نقل قول نشان‌دهنده اهمّیت تفکر و تعقل در انتخاب مسیر صحیح زندگی است. در نهج‌البلاغه، عقل به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف صحیح معرفی شده است. امام علی علیه السلام بارها پیروان خود را به تفکر و تعقل دعوت کرده و تأکید دارد که فهم صحیح از مسائل دنیوی و آخرتی تنها از طریق عقل ممکن است (پاشایی، ۱۳۹۶: ۱۱۱-۱۳۹).

غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه نه تنها به عنوان یک اصل اخلاقی بلکه به عنوان یک راهنمای عملی برای زندگی روزمره مطرح شده است. امام علی علیه السلام با تأکید بر عقل و تعقل، افراد را

ترغیب می‌کند تا همواره به نتایج اعمال خود توجّه کنند و بر اساس آن تصمیم بگیرند. این رویکرد، نه تنها در زمینه‌های اخلاقی بلکه در تمامی جوانب زندگی انسانی قابل استفاده است.

۳-۱-۴ تأثیرات غایت‌گرایی بر رفتارهای اخلاقی در نهج‌البلاغه

غایت‌گرایی به عنوان یکی از نظریه‌های اخلاقی، تأثیرات عمیقی بر رفتارهای اخلاقی در نهج‌البلاغه دارد. در این راستا، می‌توان به چندین نکته کلیدی اشاره کرد:

غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه عبارتند از:

تعریف و مفهوم: غایت‌گرایی به معنای توجّه به اهداف و نتایج نهایی اعمال است. در نهج‌البلاغه، این مفهوم به وضوح در آموزه‌های امام علی علیه السلام تجلّی یافته است. جایی که او بر اهمیت آخرت و نزدیکی به خدا تأکید می‌کند. غایت نهایی او در تمامی افعال، کسب سعادت اخروی و انقطاع الی الله است.

نظام اخلاقی: نظام اخلاقی امام علی علیه السلام بر مبنای غایت‌گرایی فضیلت‌محور است. او دنیا را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به آخرت می‌بیند و بر این باور است که اگر انسان دنیا را هدف قرار دهد، دچار خسران خواهد شد. در این راستا، نهج‌البلاغه به عنوان منبعی اصیل از تفکر اسلامی، معیارهای اخلاقی را بر اساس غایت‌های الهی تعریف می‌کند.

تأثیرات غایت‌گرایی بر رفتارهای اخلاقی عبارتند از:

تأکید بر فضیلت‌ها: غایت‌گرایی در نهج‌البلاغه باعث می‌شود که رفتارهای اخلاقی تحت تأثیر فضیلت‌ها قرار گیرد. امام علی علیه السلام با تأکید بر فضایل اخلاقی مانند صداقت، انصاف و ایثار، سعی دارد تا پیروان خود را به سمت رفتارهایی سوق دهد که منجر به سعادت اخروی شود.

رابطه بین سیاست و اخلاق: امام علی علیه السلام بین سیاست و اخلاق تفکیک قائل نمی‌شود و معتقد است که سیاست باید بر مبنای اصول اخلاقی باشد. این رویکرد موجب می‌شود که رفتارهای سیاسی نیز تحت تأثیر غایت‌گرایی قرار گیرد و اهداف سیاسی همواره با موازین اخلاقی سنجیده شوند.

تنظیم رابطه با دنیا: غایت‌گرایی در اندیشه امام علی علیه السلام به تنظیم رابطه انسان با دنیا کمک می‌کند. او دنیا را فقط به عنوان یک گذرگاه می‌بیند و بر این باور است که باید از آن برای رسیدن

به آخرت استفاده کرد. این نگرش باعث می‌شود که رفتارهای فردی و اجتماعی همواره تحت تأثیر هدف نهایی یعنی قرب الهی قرار گیرد.

در نهایت، تأثیرات غایت‌گرایی بر رفتارهای اخلاقی در نهج البلاغه نشان‌دهنده یک نظام جامع و هماهنگ از اصول اخلاقی است که همواره پیروان را به سمت کمال انسانی و سعادت اخروی هدایت می‌کند.

غایت‌گرایی یکی از رویکردهای مهم در فلسفه اخلاق است که به بررسی اهداف و نتایج اعمال انسانی می‌پردازد. در متون اسلامی، به ویژه در نهج البلاغه، آموزه‌های امام علی علیه السلام به وضوح بر اهمیت غایت و هدف‌مندی در رفتارهای اخلاقی تأکید دارد. این بند به بررسی تأثیرات غایت‌گرایی بر رفتارهای اخلاقی در نهج البلاغه و منابع دست اول فلسفه اخلاق می‌پردازد.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به روشنی بیان می‌کند که شناخت غایت و نتیجه اعمال انسانی، از اصول اساسی عقلانیت است. او می‌فرماید که انسان باید با «چشم دل» بنگرد و بیندیشد که آیا عمل او به سود اوست یا به زیان او (ندیمی و مسعودی، ۱۴۰۱: ۳۳-۶۰). این نوع تفکر، انسان را به سمت انتخاب‌های صحیح هدایت می‌کند و از بی‌راهه رفتن جلوگیری می‌کند.

در نهج البلاغه، دو اصل کلیدی به عنوان معیارهای ارزش شناختی اخلاق مطرح شده‌اند: عدالت و حق‌طلبی. این دو اصل نه تنها بر جنبه‌های وظیفه‌گرایانه بلکه بر جنبه‌های غایت‌گرایانه نیز تأکید دارند. عدالت شامل رعایت انصاف و مساوات است، در حالی که حق‌طلبی به تحقق واقعیت‌ها و حقوق انسان‌ها مربوط می‌شود. غایت‌گرایی در نهج البلاغه به وضوح نشان‌دهنده این است که اعمال باید با توجه به نتایج آنها ارزیابی شوند. امام علی علیه السلام تأکید دارد که هیچ عمل اخلاقی بدون توجه به غایت آن نمی‌تواند محقق شود (ندیمی و مسعودی، ۱۴۰۱: ۳۳-۶۰). این دیدگاه باعث می‌شود که پیروان ایشان همواره در انتخاب‌های خود به نتایج اعمال توجه کنند و از انجام کارهایی که ممکن است زیان‌آور باشد، پرهیز کنند.

غایت‌گرایی در نهج البلاغه نه تنها به عنوان یک رویکرد فلسفی بلکه به عنوان یک راهنمای عملی برای رفتارهای اخلاقی مطرح شده است. آموزه‌های امام علی علیه السلام نشان‌دهنده اهمیت تفکر عمیق و بررسی نتایج اعمال انسانی است که می‌تواند منجر به تصمیمات بهتر و رفتارهای

اخلاقی تر گردد. این رویکرد همچنین می‌تواند با دیگر مکاتب فلسفی مانند وظیفه‌گرایی مقایسه شود. جایی که هر دو دیدگاه بر اهمیت هدف و نتیجه تأکید دارند (دکامی، ۱۴۰۱: ۵۷-۷۹).

۴-۱-۴ نمونه‌های عملی از زندگی امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام، نمونه‌های متعددی از غایت‌گرایی و رفتارهای اخلاقی را در نهج البلاغه به نمایش گذاشته است. این رفتارها نه تنها به اصول اخلاقی اسلامی بلکه به فلسفه اخلاق نیز مرتبط می‌شوند.

غایت‌گرایی به معنای توجه به اهداف نهایی و ارزش‌های بنیادی در زندگی است. امام علیه السلام در بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌های خود، بر اهمیت نیت و هدف در اعمال تأکید کرده است. او معتقد بود که هر عمل باید با نیت صحیح و برای رضای خداوند انجام شود. به عنوان مثال، در خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند نیت‌ها را می‌سنجد و نه اعمال را». این بیان نشان‌دهنده توجه عمیق امام به نیت و هدف در زندگی است.

امام علی علیه السلام همچنین نمونه‌هایی از رفتارهای اخلاقی را در زندگی روزمره خود به نمایش گذاشت. برخی از این رفتارها عبارتند از:

- عدالت: امام علی علیه السلام به عنوان یک حاکم عادل شناخته می‌شد و همواره بر اجرای عدالت تأکید داشت. او می‌فرمود: «عدالت، اساس حکومت است».

- مدارا و بخشش: او در تعامل با دشمنان خود نیز مدارا می‌کرد و بر بخشش تأکید داشت. این رفتار نشان‌دهنده روح بزرگ اوست.

- خودشناسی و تقوا: امام علی علیه السلام همواره بر اهمیت خودشناسی و تقوا تأکید داشت. او می‌گفت: «کسی که خود را بشناسد، خدا را خواهد شناخت» (ندیمی و مسعودی، ۱۴۰۱: ۳۳-۶۰).

فلسفه اخلاق به بررسی مسائل بنیادی مربوط به خوب و بد، فضیلت و رذیلت می‌پردازد. در این زمینه، آثار مختلفی وجود دارد که می‌تواند به فهم بهتر رفتارهای اخلاقی امام علی علیه السلام کمک کند. برخی از این منابع شامل:

- کتاب‌های فلسفه اخلاق: مانند فلسفه اخلاق اثر جیمز ریچلز که به بررسی نظریات مختلف اخلاقی پرداخته است.

- متون اسلامی: نهج‌البلاغه خود منبع غنی از آموزه‌های اخلاقی است که می‌تواند به عنوان مرجع اصلی در مطالعه رفتارهای امام علی (علیه السلام) مورد استفاده قرار گیرد (ندیمی و مسعودی، ۱۴۰۱: ۳۳-۶۰).

با توجه به این موارد، می‌توان گفت که رفتارهای امام علی (علیه السلام) نمونه‌ای بارز از غایت‌گرایی و اصول اخلاقی اسلامی هستند که همچنان مورد توجه فلاسفه و اندیشمندان قرار دارند.

نتیجه‌گیری

وظیفه‌گرایی (Deontology) به نظریه‌ای در فلسفه اخلاق اشاره دارد که بر اساس آن، عمل درست بر اساس قواعد و وظایف اخلاقی مشخص تعیین می‌شود، بدون توجه به نتایج آن. در مقابل، غایت‌گرایی (Consequentialism) بر این اساس استوار است که ارزش یک عمل بر اساس پیامدهای آن سنجیده می‌شود.

نهج‌البلاغه، به عنوان یکی از مهمترین منابع تفکر اسلامی، دیدگاه‌های عمیق و متنوعی درباره اخلاق ارائه می‌دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزه‌های امام علی (علیه السلام) در این کتاب، به طور کلی با هر دو نظریه ارتباط دارد، اما تمایل بیشتری به غایت‌گرایی فضیلت‌محور دارد.

- غایت‌گرایی فضیلت‌محور: یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهند که غایت مورد نظر امام علی (علیه السلام)، توحید و انقطاع الی الله است که با هیچ یک از دیدگاه‌های رایج غایت‌گرایی قابل انطباق نیست. این دیدگاه به معنای تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و فضائل انسانی است که در نهایت به سعادت و کمال انسانی منجر می‌شود.

- وظیفه‌گرایی: در عین حال، برخی گزاره‌های نهج‌البلاغه نیز نشان‌دهنده تأکید بر وظایف اخلاقی و اصول ثابت هستند. این اصول به وضوح در بیانات امام علی (علیه السلام) دیده می‌شود که بر انجام کارهای نیک و پرهیز از اعمال زشت تأکید دارند.

در مقایسه بین این دو رویکرد در نهج‌البلاغه:

- وظیفه‌گرایی: بر اساس اصول ثابت اخلاقی تأکید دارد و به نوعی به قواعد کلی اشاره می‌کند که باید رعایت شوند.

- غایت‌گرایی: بیشتر بر نتایج اعمال تأکید دارد و هدف نهایی را کمال انسانی و نزدیکی به خداوند قرار می‌دهد.

در نهایت، نهج‌البلاغه نشان‌دهنده یک رویکرد ترکیبی است که هم از اصول وظیفه‌گرایی و هم از غایت‌گرایی بهره می‌برد. این ترکیب، امکان فهم عمیق‌تر از فلسفه اخلاق اسلامی را فراهم می‌آورد و راهگشای تبیین نظام اخلاقی اسلام در برابر نظام‌های اخلاقی غربی است. وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی دو رویکرد اصلی در فلسفه اخلاق هستند که هر یک به شیوه‌ای متفاوت به تحلیل ارزش‌های اخلاقی می‌پردازند. این دو رویکرد در متون دینی و فلسفی، از جمله در نهج‌البلاغه، به وضوح قابل مشاهده‌اند.

وظیفه‌گرایی (Deontological Ethics) بر اساس اصول و قواعد مشخصی بنا شده است که باید‌ها و نباید‌ها را تعریف می‌کند. در این رویکرد، عمل اخلاقی به خود عمل و نیت فرد وابسته است، نه به نتایج آن. از نظر وظیفه‌گرایان، برخی از اصول اخلاقی به عنوان الزامات اولیه شناخته می‌شوند که سایر ارزش‌ها از آنها استنتاج می‌شوند. این رویکرد در نهج‌البلاغه با تأکید بر عمل صالح و نیت خالص مورد تأکید قرار گرفته است.

غایت‌گرایی (Teleological Ethics) بر اساس اهداف و نتایج اعمال بنا شده است. طبق این نظریه، ارزش اخلاقی یک عمل بر اساس نتایج آن تعیین می‌شود. غایت‌گراها هدف خاصی را به عنوان منبع ارزش‌های اخلاقی در نظر می‌گیرند و سایر الزامات اخلاقی را بر اساس آن تعیین می‌کنند. در نهج‌البلاغه، غایت‌گرایی نیز مورد توجه قرار گرفته و هدف نهایی انسان‌ها رسیدن به سعادت و فضیلت است.

نقاط اشتراک:

۱. تأکید بر ارزش‌های اخلاقی: هر دو رویکرد بر اهمیت ارزش‌های اخلاقی تأکید دارند و سعی دارند تا رفتار انسانی را توجیه کنند.

۲. توجه به نیت: هر دو نظریه به نیت انسان‌ها توجه دارند. وظیفه‌گرایی بر نیت تأکید دارد و غایت‌گرایی نیز نیت را در راستای دستیابی به هدف نهایی مدنظر قرار می‌دهد.

۳. توجه به سعادت انسانی: هر دو رویکرد در نهایت به دنبال ارتقای سعادت و فضیلت انسان هستند، اگرچه روش‌های متفاوتی برای رسیدن به این هدف دارند.

نقاط افتراق:

۱. منبع ارزش‌های اخلاقی: در وظیفه‌گرایی، اصول اخلاقی مستقل از نتایج عمل هستند، در حالی که در غایت‌گرایی، ارزش‌ها وابسته به نتایج مثبت یا منفی اعمال هستند.
۲. روش تحلیل رفتار: وظیفه‌گرایی بیشتر بر روی خود عمل تمرکز دارد، در حالی که غایت‌گرایی بر روی پیامدها و نتایج تأکید می‌کند.
۳. تعریف خوب و بد: در وظیفه‌گرایی، خوب بودن یک عمل به پیروی از قواعد مشخص بستگی دارد، اما در غایت‌گرایی، خوب بودن یک عمل بستگی به تأثیرات مثبت آن دارد. در نهایت، هر دو رویکرد وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی دارای نقاط قوت و ضعف خود هستند و می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. نهج البلاغه با ارائه آموزه‌هایی که هم جنبه‌های وظیفه‌ای و هم غایت‌شناختی را شامل می‌شود، می‌تواند منبع الهام‌بخش برای بررسی عمیق‌تر این دو رویکرد باشد.

منابع

۱. ابن مسکویه (۱۴۲۲ق). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق. انتشارات بیدار.
۲. ابن حیّون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام. مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم: چاپ دوم.
۳. اسلامی، محمدتقی (۱۳۹۰ش). «پیامدگرایی اخلاقی در عرفان اسلامی». نشریه معرفت اخلاقی، شماره ۲ (۶)، ص ۲۳.
۴. افشار، محمد (۱۳۸۷ش). «تحلیل موضوعی تربیت اخلاقی در نهج البلاغه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۵. اسلوت، مایکل و وحید سهرابی فرد (۱۳۹۲). «اخلاق فضیلت». هفت آسمان، شماره ۱۵ (۵۹)، ص ۱۶۴-۱۸۲.
۶. ایمانوئل کانت، (۱۳۸۴ش). نقد عقل عملی. مترجم: انشاءالله رحمتی. ناشر: نورالثقلین.
۷. آمدی تمیمی (ابوالفتح)، عبدالواحد بن محمد. معجم الفاظ غرر الحکم و درر الکلم، ناشر: مرکز الأبحاث و الدراسات الإسلامية.

۸. پاشایی، وحید (۱۳۹۶). «غایت در فلسفه اخلاق؛ منظری قرآنی». فصلنامه اخلاق پژوهی، شماره ۱ (۳)، ص ۱۱۱-۱۳۹.
۹. ریچلز، جیمز. «فلسفه اخلاق». ترجمه: آرش اخگری، حکمت، تهران: ۱۳۸۷، ص ۱۷۹-۱۸۱.
۱۰. زمانی، محمدحسین و نجمه کافی (۱۳۹۹ش). «فلسفه اخلاق از نگاه نهج البلاغه». همدان: سومین همایش بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی.
۱۱. درستی، محمود و محدثه رضایی (۱۳۹۴ش). «بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در نهج البلاغه». تهران: اولین کنگره ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار در بخش های توسعه علم و فناوری.
۱۲. دکامی، محمدجواد (۱۴۰۱ش). «تبیین و بررسی استدلال های اخلاقی در کلام امام علی (علیه السلام)». فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۱۰ (۳۹)، ص ۵۷-۷۹.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ش). ماه مهرپرور: تربیت در نهج البلاغه. تهران: انتشارات دریا.
۱۴. خاتمی، مریم؛ علی شیخ الاسلامی؛ رضا الهی منش و علی آقانوری (۱۳۹۹ش). «فضیلت گرایی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه». پژوهش های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)، شماره ۱۰ (۴۰)، ص ۱۰۳-۱۲۶.
۱۵. جعفری، محمد مهدی (۱۳۸۰ش). پرتوی از نهج البلاغه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۶. حاجتی شورکی، سید محمد و عباس عارفی (۱۳۹۳ش). «وظیفه گرایی اخلاقی کانت در بوته نقد و بررسی». نشریه معرفت اخلاقی، شماره ۵ (۱۵)، ص ۱۷.
۱۷. فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۷۶ش). فلسفه اخلاق. ترجمه: هادی صادقی، قم: طه.
۱۸. قربانی، زین العابدین (۱۳۸۸ش). حقوق از دیدگاه نهج البلاغه در کاوشی در نهج البلاغه (مجموعه مقالات). تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۹. سبحانی نیا، محمد (۱۴۰۲ش). «بررسی تطبیقی آموزه های اخلاقی نهج البلاغه با نظام های اخلاقی غربی». مشکوة، شماره ۴۲ (۲)، ص ۱۲۳-۱۴۶.

۲۰. سبحانی، محمدتقی و محمدعلی رضایی اصفهانی (۱۳۹۹ش). نقش شیعه در گسترش دانش اخلاق، تربیت و عرفان. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۱. سرلک، علی و فاطمه سعیدی (۱۳۹۹ش). «معیارهای ارزش شناختی اخلاق در نهج البلاغه با نگاه بر مکاتب وظیفه‌گرا و غایت‌گرای اخلاقی». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۸۲.
۲۲. سعیدی، فاطمه؛ سید علی علم الهدی و محسن قاسم‌پور (۱۳۹۷ش). «شاخص‌های وظیفه‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امیرمؤمنان علیه السلام از دیدگاه نهج البلاغه. آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، شماره ۴(۲)، ص ۶۱-۸۲.
۲۳. شهریار، روح‌اله؛ سید رضا هاشمی پیکر و حسین دیبا (۱۳۹۷ش). «سبک تفکر اخلاقی در نهج البلاغه و دلالت‌های تربیتی آن». اخلاق و حیانی، شماره ۱۷ (پیاپی ۱۵)، ص ۲۷-۴۸.
۲۴. محمدی پویا، فرامرز (۱۳۹۸ش). «تبیین وظیفه‌گرایی معرفتی در نهج البلاغه و آثار آن در نظام تعلیم و تربیت». پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۷(۲۷)، ص ۴۵-۶۳.
۲۵. مصباح، محمدتقی (۱۳۸۴ش). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۶. مشایخی‌پور، محمدعلی؛ محمود واعظی و عبدالهادی فقهی‌زاده (۱۳۹۲ش). «اصول اخلاق کار از دیدگاه امام علی علیه السلام»، پژوهش‌های اخلاقی، سال سوم، شماره چهارم.
۲۷. ندیمی، مهرداد و جهانگیر مسعودی (۱۴۰۱ش). «نتیجه‌گرایی در اخلاق از منظر تعالیم اسلامی». اخلاق و حیانی، شماره ۱۲(۲)، ص ۳۳-۶۰.
۲۸. هربز، رابرت. ال (۱۳۸۵ش). مبانی فلسفه اخلاق. ترجمه: مسعود علیا، تهران: ققنوس.